

گرامیداشت یک استاد بزرگ دکتر محمد علی مجتهدی

مهندس منوچهر احتشامی

استاد دکتر محمدعلی مجتهدی

در تاریخ دهم مرداد ماه ۱۳۲۳ شمسی، ریاست و اداره‌ی دبیرستان البرز به دکتر محمدعلی مجتهدی استاد دانشگاه تهران واگذار شد و تا اوایل انقلاب این سمت را عهده‌دار بود. (فقط در سال ۱۳۳۰ در زمان وزارت دکتر محمود حسابی در فرهنگ ابلاغی به نام دکتر بازارگاد به عنوان رئیس دبیرستان البرز صادر شد. ولی چون مشارالیه به احراز این سمت اقبالی ننمود؛ مرتضی قلی‌خان اسفندیاری به ریاست البرز برگزیده شد اما در آذرماه ۱۳۳۱ که دکتر مهدی آذر به وزارت فرهنگ رسید، مجدداً دکتر مجتهدی را به ریاست البرز انتخاب نمود.)

شرحی از زندگی، ولادت، مقامات و آثار دکتر مجتهدی

در سال ۱۲۸۷ در شهرستان لاهیجان در خانواده‌ی روحانی، پسری به دنیا آمد که نام او را محمدعلی گذاشتند. او را در لاهیجان به مدرسه گذاشتند. در سال ۱۳۰۴ شمسی که تحصیل دبستانی را سه سال قبل از این تاریخ به اتمام رسانده بود و در این سه سال به علت اغتشاش گیلان تحصیلات او متوقف مانده بود، به تهران روی آورد و در دارالمعلمین مرکزی نام نوشت.

پس از چهار سال کسب معلومات شاگرد اول شد و سپس به مدرسه‌ی متوسطه‌ی شرف تهران رفت و سال پنجم و ششم تحصیلات متوسطه را در آن مدرسه به پایان رسانید.

در خرداد ماه ۱۳۱۰ به اخذ دیپلم متوسطه «شعبه علمی» کامیاب گردید، و همان سال در امتحانات مسابقه اعزام محصل به اروپا شرکت جست که در آن زمان به وسیله‌ی وزارت فرهنگ - در زمان وزارت میرزا یحیی‌خان قره‌گوزلو اعتمادالدوله که شرح خدمات او در شماره‌های سابق مجله‌ی حافظ ضمن خاطرات دکتر نصرت‌الله کاسمی چاپ شده بود - اجرا می‌شد، محمدعلی‌خان مجتهدی قبول و موفق گردید و در تابستان همان سال، در ماه سپتامبر ۱۹۳۱، برای ادامه‌ی تحصیل دوره‌ی عالی به فرانسه روانه شد.

این سمت بود. از خردادماه تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۲۱، ریاست دبیرستان البرز را حسن ذوقی بر عهده داشت. می‌گویند کلاس درسی نبود که ذوقی معلم آن نباشد، وی به جای هر معلمی تدریس می‌کرد و در عین حال استادانه درس می‌داد.

دکتر لطفعلی صورتگر با سمت استادی دانشگاه، از اسفند ماه ۱۳۲۱ به ریاست دبیرستان برگزیده شد و تا دهم مرداد سال ۱۳۲۳ این سمت را عهده‌دار بود. این استاد دانشمند و ادیب سخن‌سنج و نویسنده‌ی چیره‌دست و شاعر توانا و زبان‌دان بلندقویچه و مترجم کم‌نظیر سالیانی در مدرسه‌ی البرز خدمت کرد. صورتگر، نادره عاشقی بود به ادبیات گرانمایه‌ی میهن خود ایران، آن چنان وقت شعرخواندن، مسحور معانی بود که خود را فراموش می‌کرد و صورتگری دیگر بود. سودای او استغراق در نغمات و آیات حکمت شعر و عرفان بود. به همین جهت او را در آن حال، در خودش نمی‌دیدیم. در آسمان شعر بود، در نوای چنگ رودکی بود و در چکامه‌های فرخی، هم‌داستان فردوسی و شیدای رباعیات خیام.

از سعدی سخن می‌آموخت و مست معانی حافظ و غرق عرفان مولوی بود. لحظه‌ی از آن حالت نشأت را به استادی و ریاست مکتب و مدرسه‌داری و اشتغال به حضور و غیاب نمی‌فروخت. قیل و قال مدرسه را برای اهلش گذاشت و طریق دیار دلاویز اهل معنی را در پیش گرفت. استاد صورتگر با همه‌ی اعتبار و شهرت و نفوذی که داشت، در حفظ و حراست ریاست مدرسه‌ی البرز پای نفشرد و آن را یک‌سو نهاد، و به قلم سحر و گنج روان شعر و ادب روی آورد و از دیگر دل‌بستگی‌ها بی‌نیازی جست. او از جمله استادانی بود که دانشگاه هنوز جانشین به صدق او را نیافته است.

□ نام استاد دکتر محمدعلی مجتهدی مترادف با نام دبیرستان البرز است و نمی‌توان از دبیرستان البرز سخن گفته بدون آن‌که از خدمات دکتر مجتهدی یاد نکرد. این استاد خدمتگزار، استاد آنالیز و مکانیک دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران بود و استاد هنرسرایی عالی، استاد دانشکده‌ی افسری، نیروی هوایی و رییس دانشگاه ملی و شریف و عضو انجمن ریاضی‌دانان فرانسه و چندین مسند و مقام دیگر که ریاست دبیرستان البرز ظاهرأ در مقابل آنان جلوه‌ی ندارد، اما در حقیقت همه‌ی این مشاغل و مناصب در مقابل خورشید تابان البرز در حاله‌ی ابر پوشیده است.

برای توضیح خدمات این خادم واقعی فرهنگ ایران‌زمین، جا دارد نخست یادی از البرز شود و بعد از دکتر جردن، بزرگوار مردی که عمر خود را برای حفظ و توسعه‌ی این مرکز فرهنگی گذاشت و سپس دیگر مدیران این آموزشگاه که هر یک به نوبه‌ی خود در گسترش و الوایی البرز کوشیدند.

در سال ۱۳۱۹ کالج البرز آمریکایی از آمریکاییان خریداری شد و نام دبیرستان البرز به خود گرفت تا ایرانیان خود آن را هرچه تازه‌تر و نیکوتر بسازند و اداره کنند.

در آغاز دکتر جردن بود که همه‌ی رجال عصر پهلوی او را می‌شناسند. بعد محمودحید تنکابنی بود که از برجسته‌ترین معلمین دانا و بزرگوار و از رجال باثبات و نیک‌نام و کم‌نظیر ایران است. از آثار او یک دوره‌ی کامل جبر و مثلثات سیکل دوم متوسطه چاپ و منتشر گردید که در نهایت دقت و صحت تألیف یافته است و سال‌ها در دبیرستان‌های ایران تدریس می‌شد.

پس از محمد وحید تنکابنی، محمدعلی پرتوی منبع‌الملک به سال ۱۳۲۰ به ریاست دبیرستان البرز منصوب شد و سالی عهده‌دار

دانشکده‌ی فنی به تألیف کتاب‌های ارزشمندی در زمینه‌های مختلف دست زد از جمله:

- ۱- کتاب جبر و آنالیز برای دانشگاه در ۶۱۲ صفحه
 - ۲- کتاب آنالیز برای دانشگاه در ۳۵۴ صفحه
 - ۳- کتاب آنالیز عالی برای دانشگاه در ۲۳۰ صفحه
 - ۴- کتاب مکانیک اجسام جامد و مایع برای دانشگاه در ۴۷۰ صفحه
- دکتر مجتهدی علاوه بر دو کار اصلی که هیچ‌گاه از آن‌ها فارغ نمی‌شد، یکی ریاست دبیرستان البرز و دیگری استادی دانشکده‌ی فنی به مقامات و مشاغل دیگری نیز دست یافت:

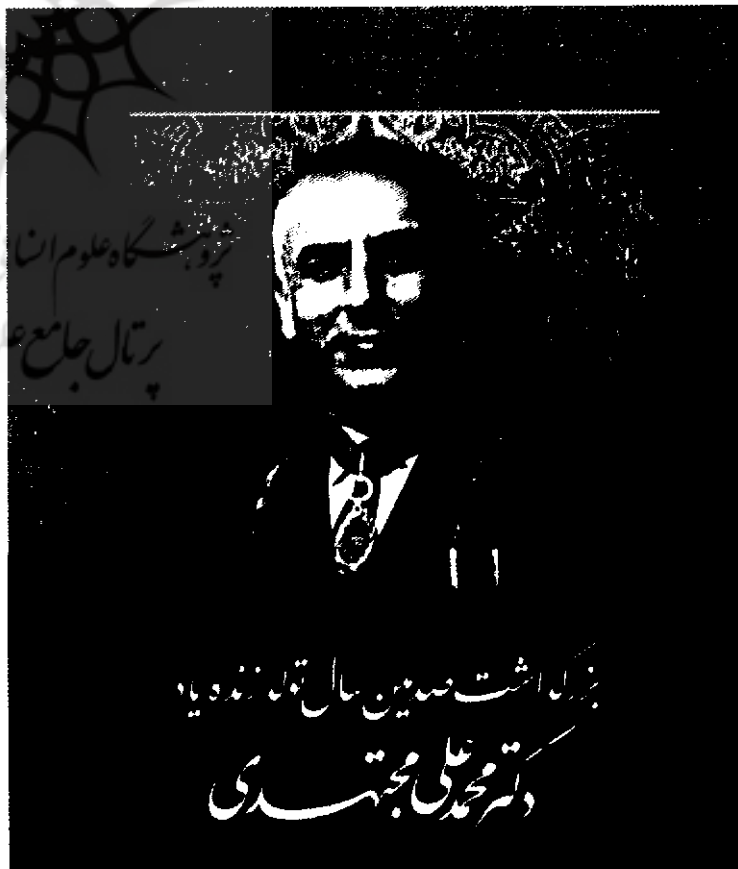
- ۱- عضویت کمیسیون علمی فرهنگستان از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰
 - ۲- عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ از سال ۱۳۲۳
 - ۳- مدیریت کل اداری و آموزشی وزارت فرهنگ ۲۳-۱۳۲۵
 - ۴- سرپرستی محصلین ایرانی در فرانسه ۱۳۳۹
 - ۵- ریاست دانشگاه شیراز ۱۳۴۰
 - ۶- ریاست دانشکده پلی تکنیک تهران ۴۴-۱۳۴۱
 - ۷- ریاست دانشگاه شریف از آبان ۴۴ تا بهمن ۱۳۴۶
 - ۸- ریاست دانشگاه ملی از بهمن ۴۷ تا مرداد ۱۳۵۷
- گزارش دوران ۳۹ ساله (۱۳۵۷-۱۳۱۷) خدمت و اشتغال آقای دکتر مجتهدی که از تتبع در سال‌نامه‌های گذشته دبیرستان البرز و سده‌نامه دبیرستان البرز فراهم آمده به اجمال چنین بود، ولی در میان این همه سال کوشش و کار پُرنشیب و فراز و سودبخش، چشم‌گیرتر و شهرت‌آفرین‌تر مدت قریب سی و اندی سال خدمت در مقام ریاست دبیرستان البرز بود.

استادان دیگری در دانشکده فنی بودند که از حیث تحصیلات عالی پایه‌یای دکتر مجتهدی پیش رفته بودند اما به همان مقام معلمی و استادی اکتفا کردند و یادی و خاطره‌یی از آن‌ها جز در میان شاگردان قدیم‌شان نیست. اما، سی و اندی سال ریاست دبیرستان البرز موفقیت‌هایی را پدید آورد که نمایش دهنده لیاقت، اصالت عمل، درستی شغل و کار، استحکام در عقیده و ثبات رأی او شد و مبرهن شهادت در دفاع از حق و عدم تبعیض و بی نظری گردید. البته در این میان بسیاری رنجیده‌خاطر شدند و جمعی ناراضی و خشمگین. اما گذشت زمان نشان داد که همان اربابان توقع و ناراضیان نیز به جمع علاقه‌مندان دکتر مجتهدی پیوستند و محفل و مجلسی نیست که یادی از دکتر مجتهدی نرود و به نیک‌نامی از او یادی نشود.^۱

از مشخصات دکتر مجتهدی گرفتن تصمیم است. وقتی مطلبی به فکرش می‌رسید و آن را سودمند می‌دانست، قطع نظر از این‌که باید یا نباید، شاید یا نشاید آن را به کار می‌برد. به راستی باید گفت که کار دبیرستان البرز پُرثمر ولی خستگی بخش، کمرشکن و پیغام‌آور پیری زودرس بود و نمونه‌اش خود دکتر مجتهدی است که «پیر ناگشته بس شکسته شده» پس به تعبیر دیگر در نظام البرز ضعیف پامال است، یعنی جایی برای درس نخواندن وجود ندارد. اما مجتهدی به این خود سوختن و آفرودخته داشتن مشعل دانش در البرز دل خوش داشته بود و در آن جان‌نثاری احساس سعادت می‌کرد.

محمدعلی مجتهدی مدت ۷ سال در کشور فرانسه در شهر کلرمون به تحصیل دانشگاهی پرداخت و در چهار رشته‌ی ریاضیات عمومی - حساب جامع و فاضل - فیزیک عمومی و مکانیک استدلالی به درجه‌ی لیسانس تعلیماتی نایل آمد، و چون در شهادت‌نامه‌ی مکانیک استدلالی بین کلیه‌ی دانشجویان فرانسوی و خارجی مقام اول را حائز شده بود، از طرف مرحوم اسماعیل مرآت که در آن زمان سرپرست محصلان ایرانی در فرانسه بود، مورد تقدیر قرار گرفت و به‌عنوان تشویق به پاریس منتقل گردید تا تحصیلات دوره‌ی دکترای خود را در دانشگاه معروف «سوربن» بگذراند. در سه سال آخر تحصیل در دانشکده‌ی علوم پاریس (۳۸-۱۹۳۵) به اخذ سه دیپلم فوق لیسانس در آنالیز عالی - مکانیک مایعات - اترودینامیک و هیدرودینامیک عالی (قسمت ریاضی) نایل آمد. و سرانجام در سال ۱۹۳۸ رساله دکترای دولتی خود را در رشته‌ی علوم ریاضی در موضوع حل برخی مسایل مکانیک مایعات با امتیاز «شایان افتخار» که بالاترین درجه‌ی تصویب رساله‌ی دکتراست، گذرانید.

دکتر محمدعلی مجتهدی در شهریور ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و در آغاز با سمت دانشیار ریاضی در دانشکده‌ی علوم و دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و خدمت دولتی را با معلمی آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی خدمت نظام از اول مهر ۱۳۲۰ به دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران انتقال یافت و تدریس قسمت‌های مختلف ریاضیات این دانشکده‌ی معتبر فنی مملکت را به‌عهده گرفت و استاد کرسی درس «آنالیز ریاضی» در این دانشکده شد و در سال ۱۳۵۰ طبق درخواست خود به مقام بازنشستگی در دانشگاه رسید. دکتر مجتهدی ضمن تدریس در



ناگفته مشهود است که این قانون محکم و نظم کاملی که در دبیرستان البرز حکم فرماست، زاده‌ی همت و دقت و بازخواست بی‌چون و چند دکتر مجتهدی بود.

وقتی بود که می‌گفتند اگر گردانندگان آمریکایی کالج از ایران بروند، دیگر البرز روی تکامل نخواهد دید. ولی آنان که بیهوده آیه‌ی یأس می‌خواندند و منفی می‌بافتند، چه زود به چشم خود دیدند و به معیار خود سنجیدند که مجتهدی از خارجی‌ها بسیار بهتر توانست عهده‌دار آموزش و پرورش فرزندان وطن گردد و آن هم با قیاس بس خیره‌کننده که پس از مشاهده‌ی نتایج و برکات آن خدمات، الزاماً فضیلت را تصدیق کردند. دکتر مجتهدی معتقد بود جوانانی که از دبیرستان البرز فارغ‌التحصیل می‌شوند، غیر از ملکات فاضله‌ی اخلاقی و غرور ملی که سرشت هر ایرانی پاکیزه سرشت است، باید به دو خصیصه‌ی روحانی، اتکاء به نفس و نظم و انضباط آراسته باشند. می‌گفت: هر گاه من به این هدف عالی رسیده باشم، به خود می‌بالم و احساس خشنودی خاطر می‌کنم، چه اعتقاد دارم که بر این اساس زندگی آینده‌ی این فرزندان اطمینان‌بخش و شکوهمند خواهد بود. و خوشبختانه دبیرستان البرز به این آمال متعالی نایل آمده بود. و اکثر فارغ‌التحصیلان سی سال خدمت فرهنگی دکتر مجتهدی به این چنین صفات متصف شده‌اند.

گروه مهندس، پزشکی، استاد، قاضی، مربی و کارشناس و صاحب هنر و منصب فارغ‌التحصیل البرز که در عرصه‌ی کشور یا ممالک عالم پراکنده‌اند، با چنین روحیه و احساس عالی، زندگی و خدمت می‌کنند، و از صمیم قلب مربی و راهنما و معلم خود دکتر مجتهدی را دوست دارند و او را در همه حال به زبان و قلم از راه دور یا نزدیک ستایش می‌کنند. دانش‌آموزان دبیرستان البرز به مدرسه و مربیان خود مهر می‌ورزند و علاقه‌ی بی‌شائبه دارند و این علاقه و دلبستگی نیکوست که به مربیان آن‌ها قدرت کار و امید می‌بخشد و دانش‌آموزان را چنان می‌سازد و بار می‌آورد که بی‌وفا و فراموش عهد نمی‌شوند و آن روز که تحصیل دبیرستانی را به پایان برند، زبان وداع با مدرسه یعنی مهد تربیتش چنین است: «تن بردم و جان نهادم این جا».

در گزارشی که در سال ۱۳۵۲ تهیه شده بود تعداد کل فارغ‌التحصیلان از ۱۳۱۹ تا ۱۳۵۲ جمعاً ۹۳۵۴ نفر بوده‌اند که گروهی از آنان هم اکنون در رشته‌های فنی، پزشکی، قضایی، اقتصادی و... انجام وظیفه می‌نمایند و تعدادی هم در بزرگ‌ترین مراکز علمی ایران و جهان در سمت‌های استادی به بشریت خدمت می‌نمایند.

دکتر مجتهدی از ابتدای تصدی دبیرستان البرز ریاست شبانه‌روزی را نیز عهده‌دار بود و نگارنده که خود دو سال شاگرد شبانه‌روزی بوده است، کاملاً به یاد دارم که در سالن غذاخوری هنگام صرف شام او در گوشه‌ی می‌ایستاد و به غذاخوردن دانش‌آموزان نظارت و مراقبت می‌کرد و ایبت دکتر چنان بود که هیچ شاگردی جرأت تصور اندک خطایی را به مخیله‌ی خود خطور نمی‌داد.

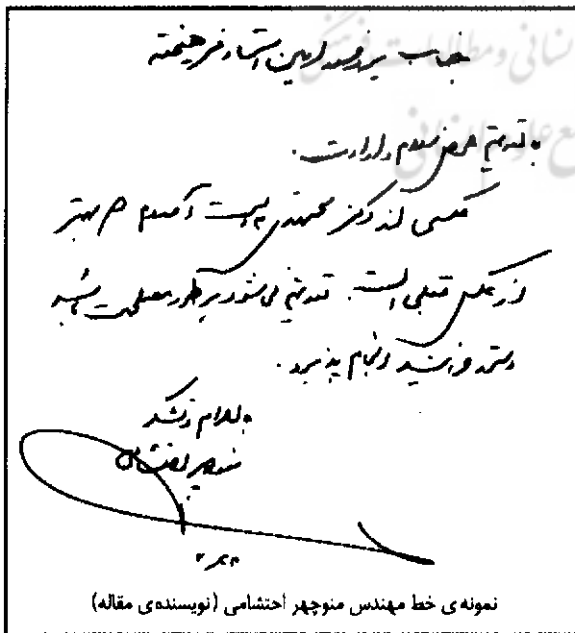
شبانه‌روزی البرز بی‌گمان یکی از این محیط‌های سالم و مطلوب اجتماعی جوانان بود و تا زمانی که برنامه‌ی دشوار خود را چنانکه باید به ثمر رسانید و افتخار آن را داشت که فرزندان سالم و بیدار دل و جوانان

زندگی‌شناس و خوش‌بین در دامان خود بپرورانید، شبانه‌روزی در سال واگذاری به دولت فقط دارای ۶۰ شاگرد بود. شماره‌ی داوطلبان شبانه‌روزی رو به افزایش گذاشت، به طوری که در سال ۱۳۴۲ طبق نوشته‌ی نشریه این سال که نوزده سال از ریاست آقای دکتر مجتهدی بر البرز می‌گذشت، تحت نظر یکی از فرهنگیان شایسته به نام موسوی ماکوئی ۱۷۰ نفر و در سال ۱۳۴۴ دویست و ده نفر دانش‌آموز در آن زندگی می‌کردند و در سال ۱۳۵۲ عده‌ی دانش‌آموزان شبانه‌روزی ۲۳۳ نفر رسیده بوده است.^۲

از ابتکاراتی که دکتر مجتهدی در دبیرستان انجام داد، این بود که دانش‌آموزان را برحسب قوه و معدل در یک کلاس جمع می‌کرد، تا نه به دانش‌آموز قوی ضرر و زیانی برسد و نه بر دانش‌آموز ضعیف از حیث درس فشار فوق‌العاده‌ی وارد آید. ولی در آخر سال همه‌ی دانش‌آموزان باید یکسان در امتحانات کتبی شرکت کنند.

نکته‌ی دیگر که نباید از نظر دور داشت این است که: بیش‌تر از سی و پنج سال است که کالج البرز با نام تازه‌ی دبیرستان البرز بر طبق برنامه‌ی وزارت آموزش و پرورش و با الهام از موارث کهن که از دوران قدیم به جای مانده است، به همت اولیاء و مدیران ایرانی آن به حیات پرافتخار خود ادامه داده است. و جای خوش‌وقتی است که وارثان ایرانی، میراث گران‌بهایی را که به آنان سپرده شد نه تنها گرامی داشتند، بلکه بیش از پیش بر ارج و اعتبار آن افزودند.

در واقع البرز از سال ۱۳۲۳ که دکتر مجتهدی ریاست و سرپرستی دبیرستان و مؤسسات وابسته به آن را به عهده گرفت، سیمای تازه‌ی خود را نشان داد. همت و پشت‌کار و حسن‌نیت او و همکاری صمیمانه و بی‌دریغ دبیران و سایر متصدیان و مسوولان و متخصصین ادامه خدمت گروهی از بازماندگان دوران تصدی آمریکاییان مشکلات و موانع را یکی پس از دیگری از میان برد و بدین ترتیب دیری نپایید که این نهال بارور و کهن‌سال که مدت کوتاهی از باروری و سایه‌گستری بازمانده بود، بار



نمونه‌ی خط مهندس منوچهر احتشامی (نویسنده‌ی مقاله)

دیگر طراوت و تازگی از سر گرفت و آن دستگاه مجهز فرهنگی که در بدو امر گمان می‌رفت به زودی دوران اعتلا و شکفتگی‌اش به سر خواهد رسید، رونق و شکوه دیرین را در شکل و سیمای تازه‌یی از نو باز یافت. از این پس روز به روز گام تازه‌یی در راه بهبود و پیشرفت و گسترش این دستگاه عظیم فرهنگی که مانند تاج افتخاری بر تارک فرهنگ ایران می‌درخشید برداشته شد.

امروز کسانی از شاگردان دیرین کالج، قدم در محوطه‌ی دبیرستان گذارند به گفته‌ی شاعر: «بس که بر او برگ و ساز بسته‌اند آن را باز نخواهند شناخت.» ساختمان تازه و مجهز شبانه‌روزی، دو ساختمان بزرگ دیگر برای دانش‌آموزان، سالن سرپوشیده‌ی ورزش و چند ساختمان دیگر، مخصوصاً ساختمان جدید و عظیم آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و امتحانات و کتاب‌خانه‌ی مستقل در قسمت شرقی محوطه که در سه طبقه به مساحت حدود ۴۲۰۰ مترمربع ساخته شده است و ده‌ها بنا و مؤسسه‌ی جدید که در خور این نوشتار نیست. آن‌چه فراهم آمده همه و همه از یادگارهای دوران اخیر و تصدی ریاست دکتر مجتهدی است. نکته‌ی مهم این‌جاست که در ایجاد این تأسیسات و توفیق در به ثمر رساندن این اصلاحات دیناری بر بودجه‌ی دولت و وزارت آموزش و پرورش تحمیل نشده، در واقع همگی هزینه‌ی آن را اولیاء دانش‌آموزان با پرداخت حق‌التعلیم سالیانه‌ی فرزندان خود و جمعی دیگر از فرهنگ‌دوستان و نیکوکاران تأمین کرده‌اند.

در همین مورد نگارنده خاطره‌یی به یاد دارم که جای گفتنش در واقع همین‌جا است. در سال ۱۳۵۳ مسوولیتی در شهرداری تهران داشتم. یک روز منشی برایم پیغام آورد که آقای پشت خط تلفن است و می‌گوید: دکتر مجتهدی است و با شما کار دارد. به اندازه‌یی کارها سنگین و مراجعین زیاد بودند که به قول معروف وقت برای سر خاراندن نبود، از منشی پرسیدم: لهجه‌اش رشتی است؟ گفت: بله، فوری تلفن را برداشتم، گفت: ببینم معاون فنی شهرداری تهران، همان مهندس خودمان که شاگرد شبانه‌روزی بود، هستی؟

عرض کردم: جناب استاد امر بفرمایید. گفت: مأموران تو دارند خانه‌ات را خراب می‌کنند و تو همان‌جا پشت میز نشسته‌یی؟ گفتم: هم‌اکنون خدمت می‌رسم؛ رفتیم دیدم مأموران شهرداری کار پیمانکار ساختمان را تعطیل نموده و از ادامه‌ی کار آنان جلوگیری می‌نمایند. دکتر مجتهدی با روی باز و عصبانی به استقبال آمد و گفت: این آقایان از من سند دبیرستان البرز را می‌خواهند. مسوولان شهرداری راست می‌گفتند: هیچ بنایی بدون پروانه و بدون احراز مالکیت نباید ساخته شود. اما نه در یک مؤسسه‌ی فرهنگی آن هم دبیرستان البرز و آن هم مدیری چون دکتر مجتهدی. از مأموران شهرداری خواستم که محوطه‌ی دبیرستان را ترک کنند و گفتم مسوولیت همه‌ی این ساختمان به عهده‌ی من است. مأموران که رفتند دکتر مجتهدی گفت: بیا برویم شبانه‌روزی و ناهار را با بچه‌ها، به یاد روزی که خودت یکی از این شاگردان آن بودی صرف کنیم. با اشتیاق پذیرفتم در شبانه‌روزی دکتر مجتهدی واقعاً نهایت بزرگواری را فرمود و به سر میز ناهار به بچه‌ها گفت کاری کنید که شما هم مثل این مهندس

روزی به مدرسه و خانه‌ی خود خدمت کنید.

گفته شد که از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۵۴ بیش از ۱۰۴۰۰ نفر دیپلمه از دبیرستان البرز خارج شده‌اند. توفیق دیپلمه‌های البرز در مسابقات ورودی دانشگاه‌ها و هم‌چنین توفیقات بعدی آنان در زندگی اجتماعی چشم‌گیر است، هم‌اکنون بسیاری از مقامات عالی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، فنی و علمی مملکت در دست دیپلمه‌ها و تربیت‌شدگان سابق البرز است. تقریباً در سال ۱۳۵۴ هشتاد درصد استادان دانشگاه صنعتی شریف همگی تحصیلات دبیرستان خود را در البرز به پایان رسانیده بودند.

هر چند همگی کارمندان دبیرستان از خرد و بزرگ هر یک به نوبه‌ی خود در پیشرفت و بزرگداشت البرز سهمی دارند و ایفاگر نقشی هستند، اما بی‌مجامله باید گفت که سهم بزرگ‌تر و نقش موثرتر از آن دکتر مجتهدی است که رهبری این دستگاه عظیم فرهنگی را به عهده داشت و باید اذعان نمود که کالج آمریکایی در روزگار خود نمونه بود و دبیرستان البرز نیز در زمان خود بهترین نمونه.

جا دارد مقدمه‌یی را که دکتر مجتهدی در سده‌نامه‌ی البرز نوشته است برای حسن ختام این نوشتار در این‌جا بیاورم:

«تصور می‌کنم برای همه روشن است که هیچ مؤسسه‌ی آموزشی نمی‌تواند خدمات ارزنده‌یی انجام دهد و جوانان پاک و صمیمی را به آموزش و پرورش عالی نایل سازد، بدون اینکه دارای معلمین واجد شرایطی باشد. معلم کسی است که ذاتاً فرزندان دیگران را دوست داشته باشد و برای هدایت شاگردان خود از هیچ چیز فروگذار نکند. برای این‌که بتواند آنان را هدایت کند، باید آن‌چه می‌داند و آن‌چه را که مطالعه می‌کند و مفید می‌شمارد، در طبق اخلاق گذاشته هدیه‌ی شاگردان خود سازد. برای نگارنده یقین است که اداره‌ی هر مؤسسه‌ی آموزشی اعم از متوسطه یا دانشگاه به نحو شایسته فقط به دست معلمین برجسته و فداکار امکان‌پذیر است. مدیر یا رییس مؤسسه‌ی آموزشی اگر دارای معلمین فداکار و وظیفه‌شناس و باوجدان باشد، خود بیکاره‌یی بیش نیست. در دبیرستان البرز این اصل مسلم از سال‌ها پیش عملی گشته است. گروهی از این معلمین برجسته، فداکار و باوجدان دبیرستان البرز هستند که در کلاس‌ها به دانش‌آموزان درس و تعلیم می‌دهند و عده‌ی معدودی از آنان امور اداری دبیرستان را برعهده دارند.

دبیرستان البرز بر اثر داشتن این‌گونه معلمین و کارمندان فداکار و برجسته توانسته است اعتماد مردم را به خود جلب کند و نیز گواهی‌نامه‌ی این مؤسسه‌ی آموزشی با اعتبار و اهمیت خاص در دنیا شناخته شده است. فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز را در تمام دانشگاه‌های معظم دنیا بدون کوچک‌ترین ایرادی می‌پذیرند و این جوانان دبیرستان البرز هستند که خود را طوری معرفی کرده‌اند که دبیرستان البرز در همه‌ی نقاط دنیا خوش‌نام شناخته شده است. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- نمونه‌ی آن استقبال گرم و صمیمانه‌یی بود که شاگردان قدیمی مدرسه‌ی البرز در آمریکا از استاد خود دکتر مجتهدی نمودند.

۲- مناسفانه در اوایل انقلاب شبانه‌روزی بسته شد و معلوم نیست دانش‌آموزی چون نگارنده که خانه و مسکنی در تهران نداشت چه‌گونه می‌تواند ادامه تحصیل بدهد.